



## مکتب جبل عامل، نقطه عطف تدوین کتاب فقهی - حکومتی شیعه

احمد رهدار در این یادداشت به تبیین «دوره ظهور و بروز مکتب جبل عامل به عنوان نقطه عطف تدوین کتاب فقهی حکومتی شیعه» می پردازد.

احمد رهدار در این یادداشت به تبیین «دوره ظهور و بروز مکتب جبل عامل به عنوان نقطه عطف تدوین کتاب فقهی حکومتی شیعه» می پردازد.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن پیش رو بخشی از جزوه «روایت فقاہت» که درس گفتاری از حجت الاسلام دکتر «احمد رهدار» در باب ادوار فقهی تشیع با تأکید بر دوره مشروطه است؛ این درس گفتار حاصل سلسله جلسات پانزدهمین دوره آموزشی تربیتی «والعصر» می باشد که در شهریور ۱۳۹۱ برگزار شده است؛ و به همت موسسه علمی فرهنگی سدید، پس از پیاده سازی و ویرایش در اختیار علاقه مندان قرار می گیرد.

در یادداشت پیش رو حجت الاسلام دکتر احمد رهدار به تبیین «دوره ظهور و بروز مکتب جبل عامل به عنوان نقطه عطف تدوین کتاب فقهی حکومتی شیعه» می پردازد. از دیدگاه ایشان در مکتب جبل عامل از همان ابتدا حکومت تشکیل شد و این امر نیز مرهون تبویب فقهی شیعه است.

### مکتب جبل عامل

جبل عامل منطقه‌ای است در جنوب لبنان که شبیه یک شهر است و توسط ابوذر شیعه شد و از همان زمان تا کنون نیز شیعه مانده است. این منطقه برای شیعه منطقه با برکتی هم بوده است. در مکتب جبل عامل از همان ابتدا حکومت تشکیل شد که این امر مرهون ایجاد تبویب فقهی شیعه است. ما در مکتب حله، از تبویب فقهی اهل سنت خارج شده و تبویب شیعه به وجود آوردیم. در صورتی که ذیل تبویب فقهی اهل سنت می ماندیم، هرگز حکومت نمی کردیم. چنان که در تمام این پانزده قرن، هیچ گاه فقیه سنی حکومت نکرده است. در حالی که پانزده قرن از تاریخ اسلام می گذرد، در تاریخ، به عنوان نمونه حتی یک مورد هم نداریم که یک فقیه سنی پرچم مبارزه‌ای را معطوف به سرنگونی حکومت وقت و تشکیل حکومت اسلامی بلند کرده باشد. حتی یک مورد هم ذکر نشده که یک فقیه سنی علیه حاکمیت سنی قیام کرده باشد و بگوید می خواهم تو را سرنگون کنم تا این که خود من به عنوان فقیه حکومت کنم. به این دلیل که فقه اهل سنت فقه غیرحکومتی و در ذیل حکومت است.

در واقع فقه اهل سنت، فقه الخلافه است. «عمر مختار» سنی بوده است و قیام او نیز در برابر حکومت سنی صورت نگرفته بود، بلکه در مقابل ایتالیایی‌ها قیام کرده بود. اگر فقیه هم باشد، قیام او در مقابله با حکومت سنی صورت نگرفته است. تصویر فقه الخلافه، این گونه است که علیه خلیفه اسلامی، هر چند که فاسق و شراب‌خوار باشد، اعتراض ندارد. ممکن است بعدها گاهی در تاریخ، فقهای آمده باشند و درگیری‌هایی ایجاد کرده باشند که ممکن است از نوع درگیری با یک حاکم محلی بوده باشد نه با خلیفه و نظام سیاسی.

بدین ترتیب فقه اهل سنت معطوف به سرنگونی حکومت یا تأسیس حکومت نبوده است. مسئله ذکر شده فراتر از آن است که یک فقیه با استناد به فقه خود با حکومت درگیر شده باشد. ممکن است یک شخص، فقیه هم باشد اما بر حسب اتفاق، حاکمی فرزندش را کشته باشد و او (فقیه) به دلیل کاملاً شخصی کینه حاکم را به دل گرفته باشد و به اتفاق گروهی بر او حمله کرده و او را کشته یا سرنگون کرده باشند. اما چنین نبوده است که یک فقیه با استنباط فقهی به جهت جنگ یا تأسیس حکومت اقدامی انجام دهد. ابتکاری که امام خمینیرحمه‌الله در کتاب بیع، ولایت فقیه و کتاب حکومت خود کرد این بود که استنباط فقهی و کلامی برای سرنگونی حکومت طاغوت و تأسیس حکومت وارد کرد اما این اتفاق، در فقه اهل سنت نیفتاده است. به محض آزادی و خروج فقه شیعه از ذیل فقه اهل سنت، شیعه خود را برای تأسیس حکومت در جبل عامل آماده کرد.

از اولین فقهای مکتب جبل عامل می توان به «شهید اول» اشاره داشت. «علی بن مؤید سبزواری» امیر و حاکم شیعی سربهدار است که فقیه هم نیست. در واقعه سربهداران «شیخ حسن» و «شیخ خلیفه» فقیه هستند، اما سنی هستند. پس از آنان افراد دیگری نیز هستند که شیعه هستند اما فقیه نیستند. علی بن مؤید سبزواری، حاکمی شیعه اما غیرفقیه است که در نامه‌ای خطاب به شهید اول در جبل عامل چنین نوشته است: «آقا چرا در آنجا مانده‌اید؟ بیایید ما اینجا یک حکومت شیعی به راه انداخته‌ایم. شما بیایید و در اینجا به عنوان ولی فقیه ما حکومت کنید.» شهید اول نیز آماده حکومت شد تا حاکمیت سیاسی وقت را در آنجا و در دوره ممالیک ایجاد نماید. این در حالی است که متعصب‌ترین سنی‌های تاریخ در همین منطقه شامات (سوریه، اردن، لیبی و لبنان امروزی) زندگی می کردند. این منطقه قلمروی از امپراطوری اسلامی در دوره ممالیک است که

مغول‌ها نتوانستند آنجا را به تصرف درآورند.

کتاب لمعه، کتابی فقهی-حکومتی

در همان دوره، شهید اول را گرفته و به مدت ده سال در زندان خانگی محبوس نمودند و بدین ترتیب امکان حضور ایشان در ایران محقق نگشت اما وی در مقابل، در طی این دوره حبس، کتاب «لمعه» را برای سربهداران نوشت. علت نگارش کتاب لمعه در آن موقعیت، پاسخ به دعوتی بود که از وی به عمل آمده بود تا با حضور خود حکومتی تأسیس کند و ایشان به جهت عدم امکان حضور خود، کتاب حکومتی لمعه را که کتاب فقهی-حکومتی و فقهی-سیاسی است به رشته تحریر درآورد و برای حکومت سربهداران فرستاد.

کتاب لمعه شهید اول کمتر از رساله ولایت فقیه و رساله حکومت اسلامی حضرت امام نیست. تئوری ولایت فقیه حضرت امام، متشکل از یازده جلسه سخنرانی امام در درس خارج می‌باشد که در سال ۱۳۴۸ این سخنرانی‌ها پیاده شده و تبدیل به جزوه و کتاب شد. نمی‌توان شهید اول را به دلیل عدم اطلاعات کافی وی از سیاست محاکمه کرد. شهید اول فرزند زمانه خود می‌باشد و نباید انتظار داشته باشیم که شهید اول تمام آن چیزی که به عنوان نمونه در مکتب اصفهان تولید می‌شود در لمعه تولید کند. لمعه اولین متن سیاسی ما است و احکام اجتماعی زیادی دارد. در حال حاضر ممکن است به دلیل اتکاء به کتاب‌های فقهی-سیاسی موجود و با تأمل در لمعه، چنین تصور شود که لمعه احکام، فقه، طهارت و... است و ارتباطی به سیاست ندارد و آن را سیاسی ندانیم در حالی که لمعه، خیز سیاسی شدن ماست و در عین اجمال، برای حاکمیت سیاسی وقت، خطرناک بوده است. نگارش این کتاب توسط شهید اول، کاملاً آگاهانه صورت گرفته است و حاکمیت وقت نیز متوجه اهمیت و واقعیت این کتاب شده است. در نتیجه چون آن را برای خود خطرناک دیده‌اند با این فقیه که اقدام به نگارش کتاب در فقه سیاسی کرده است به مبارزه برخاستند و برخورد آنان با شهید اول در مقایسه با فقهای قبلی به گونه‌ای دیگر رقم خورد تا جایی که این مبارزه منجر به شهادت وی گردید.

نحوه شهادت شهید اول

چگونگی شهادت شهید اول بیانگر توجه ویژه حاکمیت سیاسی وقت، نسبت به اهمیت وجود شهید اول و افکار وی می‌باشد. شهید اول را در میدان دمشق گردن زدند؛ سر را در دروازه دمشق به مدت هفت شبانه روز آویزان کرده و بدن را نیز در میدان مرکزی دمشق آویزان کردند و پس از هفت روز سر را به بدن ملحق کرده و در کنار بدن ایشان در میدان عمومی دمشق و در مقابل انظار مردم بدن را با تبر قطعه قطعه کردند و سپس هیزم آورده و بدن و سر را با هم سوزاندند و خاکسترش را نیز به باد دادند. بدین ترتیب شهید اول حتی قبر هم ندارد. شکل برخورد و به شهادت رساندن ایشان، مؤید هراس دشمن از سیاسی شدن فقه است.

این بنا، مقدمه‌ای بود که حاکمیت در نظر داشت بر سر شاگردان شهید اول و تبعیت‌کنندگان از آن‌ها نیز اجرا نماید. بعدها شاگردان شهید اول هم فرار کرده و به ایران مهاجرت کردند. ورود شاگردان شهید اول به ایران در زمان صفویه، به راه‌اندازی مکتب اصفهان در ایران منجر شد. بدین ترتیب پس از مکتب جبل عامل، مکتب اصفهان تأسیس شد. نکته قابل ذکر در اینجا این است که فقهای ما هیچ‌گاه غیرسیاسی نبوده‌اند، بلکه فقه ما سیاسی نبوده است. در واقع مکتب جبل عامل مکتبی است که آغاز فقه سیاسی ماست نه فقیه سیاسی. ناگفته نماند در دوره‌هایی از تاریخ، اتفاق افتاده است که فقیه ما از جهت سیاسی عقب افتاده باشد. البته می‌توان چنین استنباط نمود که بنا به اقتضای دوره، ایجاب می‌کرد که به عنوان نمونه فقه سیاسی ما اجتماعی و فقیه ما فقیه سیاسی فردی باشد.